

علم و عمل

قابل توجه وزارت معارف

فقط دانستن برای ابناء يك ملك و مخصوصاً شاگردان مدرسه کافی نیست بلکه باید با علم عمل هم توأم باشد. مدرسه از برای آن است که شاگرد در آن مطالبی بیاموزد که هم او را از شر جهل نجات داده و هم در آتیه بخود و مملکت خدمت نماید. فایده آن علم که شاگرد پس از چند سال که تصدیق گرفت و از مدرسه خارج شد فراموش کند و نتواند بواسطه آن کسب معاش خود را نماید چیست؟ بعقیده نگارنده مدارس ایران اوقات عزیز اطفال و جوانان را بیهوده تلف مینماید و پس از آنکه شاگردان تصدیق ابتدائی و ثانوی را گرفتند یا هوچی میشوند و یا جزو منتظرین خدمت ادارات دولتی میگرددند و ابداً تقصیر از آنها نیست چون آن بیچاره ها چیزی نیاموختند که بدر آتیه شان بخورد. فایده يك دوره مختصر جغرافیا، قسری تاریخ، فیزیک شیمی، ^{و علوم طبیعی} بطور ناقص و سطحی برای آتیه شاگرد چیست؟ مقصود این نیست که این علوم بی اهمیت است بلکه میخواهیم بگوئیم که فقط مبادی و اصول علوم را بطور سطحی بشاگردان یاد دادن و آنها را از عمل محروم داشتن بکلی بیفایده است. این قرن قرن مادیات است و توجه تمام عالم بکسب مال و منال است. هر گاه از این مسئله غفلت کند بالطبع محو میشود. در جراید اغلب ملاحظه میشود که بیجهت يك عده از محصلین بخش میدهند که

اینها میخواهند فقط اعضای ادارات شوند و مخصوصاً وقتی که اعضای ادارات برای کسر حقوقشان اعتصاب کردند دیگر بعضی از روزنامه نویسان هر چه خواستند گفتند و عقده دلشان را خالی کردند. بلی ما هم مخالف با اعتصاب اعضای ادارات هستیم. این حرکت نهایتاً ناپسندیده است. ولی باید دانست که مدارس ایران اینها را اینقسم تربیت کرده که اگر یک روز آنان را از ادارات خارج کنند باید بروند بازن و بچه خود در کوچه ها گدائی کنند چون قابل هیچ کار دیگری نیستند. شما ببینید غش به محصلین یا اعضای ادارات و بسیاری از هوچی ها ندهید اصول تعلیم و تربیت را در ایران تغییر دهید تا رفع تمام این نواقص بشود. فلان بدبخت بیچاره را که شما میخواهید حقوقش را از سی و دو به بیست و نه کسر نمائید بدیهی است فریاد میکند چون کور و کور و افلیج است. بلی، چشم و گوش و دست و پا دارد ولی از هیچیک آنها نمیتواند فایده ببرد این است که فریاد میکند و میگردد بر این کور طاجز رحم کنید که بایست چند سر عیال را نان دهد. بلی بیچاره ^{بسیار} احتمال از مدرسه چهار راه حسن آباد، ما چراغ گاز تصدیق گرفته باشد ولی اگر تصدیقش را در دکان یک سبزی فروش ببرد و بگوید محض خدا یک پول سبزی باین بیچاره بدهید یا نخواهند داد. پس فایده این تصدیق برای معیشت او چیست؟ آیا اگر میرفت نجاری یاد میگرفت برای او بهتر نبود؟ پس اصول تعلیم و تربیت ما ناقص است و بایست این مدارس را خراب نموده مدارس جدیدی با اصول جدید برپا نمود تا فرزندان ایران بتوانند زندگانی با شرافتی نمایند و اگر اعضای ادارات شدند و خواستند مواجبشان را

کسر نمایند فوراً قلم را بر دست گرفته و استعفای خود را قانوناً نگاشته با کمال سر بلندی در فکر کار دیگری باشند. آقایان و کلا در عوض اینکه از وزرا راجع باعتصاب اعضای ادارات استیضاح بخواهند خیلی بجا بود فکری راجع بیودجه ننگ آور وزارت معارف ما نموده قدیمی در راه ترقی ابناء وطن پر میداشتند تا بواسطه تاسیس مدارس صنعتی دیگر جوانان ایرانی انقدر خوار نگردند که از برای کسر حقوقشان خود و کلا را در دنیا مفتضح کنند. باری از مطلب دور شدیم مقصود این بود که علم بی عمل فایده ندارد و اصول تعلیم در مدارس ما ناقص است و وقت شاگردان بیاد گرفتن مطالبی که بعد از چند سال فراموش میکنند تلف میشود. باید پرگرام وزارت معارف را تغییر داد. از بعد از جنگ در المان بمسئله تعلیم عملی فوق العاده اهمیت دادند بدین معنی که نه فقط در مدارس صنعتی و فنی تعلیم عملی را می آموزند بلکه در مدارس ابتدائی هم آنرا مبدأ قرار داده دختران را تدبیر منزلی مانند آشپزی، شستشو، ریاض داری و تربیت اطفال یاد داده پسران را صنایع دستی مثل نجاری و درست کردن اسباب بازی و اصلاح آلات می آموزند و پرگرام تعلیمشان بقسمی شده که اطفال آنچه در مستقبل برای حیاتشان لازم است یاد بگیرند و باین ترتیب آتیه خود را تأمین میکنند. مثلاً مشاهده میشود که شاگردان استخدام تلفون، ملاحظه جو و مراعات احوال صحی را بخوبی آموخته و عمل میکنند و همچنین دروس نظری و عملی راجع بنقاشی، تصویر، موسیقی و فنون دیگر را با کمال مواظبت بایشان یاد میدهند و بدین معنی است باین ترتیب شاگرد بالطبع حاضر

بحرفه یا صنعتی که موافق میل غربی و کفایت اوست خواهد شد .
در مصر هم که يك مملکت شرقي است وزارت معارف بتازگی
عنایت بزرگی بتعلیم عملی نموده دستور ایجاد مدارس زیاد صنعتی و فنی
و اتمقرر کرده و در پرگرام تعلیمات ابتدائی علوم عملی نافع را داخل
کرده است چنانچه جریده « البلاغ الاسبوعي » که ما معلومات
راجع به المان را هم از روی آن اتخاذ کردیم بآن اشاره میکند .

حال وزارت معارف ایران باید باین مسئله نهایت توجه کند چه ،
اکنون که دهاتیان هم میبایست با سواد باشند لازم است وقتشان را
فقط بآموختن چیزهائیکه در تمام عمر بدریشان نخواهد خورد تلف
نکنند بلکه چیزی بیاموزند که هم آدم شوند و هم معاش خود را
بتوانند در آتیه اداره کنند و الا پس از معذرت از تمام طرفداران
تعلیم اجباری عرض میکنم که ایجاد مدارس در ایران با این پرگرام
وزارت معارف ما جز « هوچی » و منتظر الخدمه چیز دیگری بار
نخواهد آورد .

پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

تصحیح

در اولین مقاله این شماره صفحه ۳۷۹ در آخرین سطر مرقوم
شده « هزار نفر ایرانی بجهج رفته » است . از قرار اخبار و اصله
عده حججاج ایرانی امسال با وجود قدغن دولت بیش از دو هزار
نفر بوده است لذا از خوانندگان متعنی است نسخه خود را
تصحیح فرمایند .